

یادداشت
سیدمرتضی آل سیدغفور*

مکانیسم ماشه فقط بازار را می‌ترساند یا اقتصاد را می‌لرزاند؟

ایران طی چهار دهه اخیر به‌طور مداوم با تحریم‌های اقتصادی، مالی و سیاسی مواجه بوده است. نخستین تحریم‌ها درست پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ آغاز شد؛ زمانی که ایالات متحده دارایی‌های ایران را مسدود کرد و روابط اقتصادی و تجاری خود را به‌شدت محدود ساخت. در دهه ۱۳۶۰ نیز با ادامه تنش‌های سیاسی و فشارها علیه کشورمان در دوران دفاع مقدس، دامنه این محدودیت‌ها گسترش یافت. در سال‌های بعد و به‌ویژه در دهه ۱۳۸۰، موضوع برنامه هسته‌ای ایران به‌انه‌ای شد تا علاوه بر تحریم‌های یکجانبه آمریکا، تحریم‌های چندجانبه از سوی شورای امنیت سازمان ملل و اتحادیه اروپا نیز علیه کشورمان وضع شود. نقطه اوج این فشارها در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ بود که چندین قطعه‌نامه الزام‌ور شورای امنیت، ایران را تحت شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی قرار داد.

در تیر ۱۳۹۴ و پس از کش و قوس‌های فراوان سرانجام توافق برنامه جامع اقدام مشترک یا برجام میان ایران و گروه ۵+۱ امضا شد. براساس برجام، ایران پذیرفت محدودیت‌هایی در فعالیت‌های هسته‌ای خود اعمال کند و در مقابل، شورای امنیت سازمان ملل، اتحادیه اروپا و ایالات متحده تعهد دادند تحریم‌های مرتبط هسته‌ای را لغو یا تعلیق کنند. مطابق برجام روی کاغذ قرار بر رفع این تحریم‌ها به صورت یکجا در دی ۱۳۹۴ که به «روز اجرا» مشهور شد، بود. اما در عمل می‌توان گفت ایران به رغم فروش بالاتر نفت و دسترسی محدود به دارایی‌های خود هیچ‌گاه نتوانست از زیر یوغ تحریم‌های ظالمانه خارج شود. با وجود این برجام تنها حدود سه سال دوام داشت. در اردیبهشت ۱۳۹۷ ایالات متحده به ریاست جمهوری دونالد ترامپ به‌طور یکجانبه از برجام خارج شد و تمامی تحریم‌های ثانویه خود علیه ایران را بازگرداند. این اقدام اگرچه به معنای بازگشت رسمی تحریم‌های شورای امنیت نبود، اما به دلیل تسلط آمریکا بر نظام مالی جهانی و نقش دلار در مبادلات بین‌المللی، تأثیر آن تقریباً معادل تحریم‌های چندجانبه عمل کرد. ایران بار دیگر به واسطه ایمن نکردن اقتصاد خود در یک دوره تنفس موقت از قبل برجام و خوش‌بینی در تعامل با سرمایه‌گذاران غربی و کم‌توجهی آشکار به شرکای ثابت خود، مورد اثر قرار گرفت. در این دوره مجدداً به واسطه سیاست‌های فشار حداکثری، صادرات نفت کاهش یافت و دسترسی به درآمدهای ارزی با محدودیت روبه‌رو شد. این شرایط سبب شد بسیاری از شرک‌تها و بانک‌های بین‌المللی حتی بدون وجود الزام سازمان ملل، همکاری خود با ایران را متوقف کنند.

از این مقطع به بعد، بحث‌های مربوط به بازگشت تحریم‌های سازمان ملل از طریق سازوکار موسوم به «مکانیسم ماشه» نیز شدت گرفت. هر چند به لحاظ حقوقی تفاوت‌هایی میان تحریم‌های یکجانبه آمریکا و تحریم‌های سازمان ملل وجود دارد، اما واقعیت اقتصادی آن است که اقتصاد ایران بیش از هر چیز از تحریم‌های آمریکا متاثر و اثر اصلی فشارها پیشاپیش بر کشور تحمیل شد.

■ **مکانیسم ماشه چیست؟**

مکانیسم ماشه در واقع یکی از بندهای برجام است که به طرف‌های این توافق امکان می‌دهد در صورت ادعای نقض تعهدات از سوی ایران، روند بازگشت‌پذیر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل را فعال کنند. از منظر حقوق بین‌الملل، این سازوکار جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا با فعال شدن آن قطعه‌نامه‌های پیشین شورای امنیت از جمله ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۳۷، ۱۸۰۳ و ۱۹۲۹ که پیش‌تر تعلیق شده بودند، دوباره لازم‌الاجرا خواهند شد.

این تحریم‌ها به‌طور مشخص شامل محدودیت‌های مسافرتی برای برخی افراد، مسدود شدن دارایی‌ها، ممنوعیت صادرات و واردات تسلیحات به ایران و همچنین اختیار کشورهای عضو برای بازرسی کشتی‌ها و محموله‌های هوایی مرتبط با ایران است. با این حال، نکته مهم آن است که هیچ‌یک از این قطعه‌نامه‌ها شامل تحریم‌های مستقیم بر فروش نفت خام یا مبادلات بانکی ایران نمی‌شوند. به همین دلیل، از منظر اقتصادی، بخش عمده درآمدهای ارزی ایران که متکی به صادرات نفت و معیانات گازی است، تحت تأثیر مستقیم این قطعه‌نامه‌ها قرار نمی‌گیرد.

با وجود این باید توجه داشت تحریم‌های یکجانبه ایالات متحده دامنه بسیار وسیع‌تری دارند و پیش از بازگشت احتمالی تحریم‌های سازمان ملل نیز بر اقتصاد ایران اعمال شده‌اند. این تحریم‌ها صادرات نفت، مبادلات مالی، نقل‌وانتقال بانکی و حتی زنجیره تأمین برخی کالاهای اساسی را هدف قرار داده‌اند. از همین رو، اقتصاد ایران در عمل فشار اصلی را بر تحریم‌های واشینگتن تجربه کرده و فعال شدن مکانیسم ماشه بیش از آنکه اثر واقعی اقتصادی داشته باشد، جنبه روانی و سیاسی خواهد داشت.

■ **آیا مکانیسم ماشه جز اثر روانی، اثر دیگری دارد؟**

اجرای شدن مکانیسم ماشه و بازگشت تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل، بار دیگر نگاه‌ها را به سمت آینده صادرات نفت ایران و پیامدهای اقتصادی آن جلب کرده است. هر چند تجربه نشان می‌دهد ساختار فروش نفت ایران طی سال‌های اخیر به‌گونه‌ای تغییر کرده که بازگشت تحریم‌ها اثر مستقیم چندانی بر آن ندارد، اما اهمیت یافتن مسیرهای پایدار صادرات و تقویت بازارهای مطمئن بیش از گذشته احساس می‌شود. ایران تاکنون با بهره‌گیری از اسناد کشورهای ثالث، کانال‌های واسطه‌ای و همکاری شرکای شرقی توانسته است بخش عمده‌ای از صادرات نفت خود را حفظ کند، اما برای تداوم این روند نیازمند استراتژی‌های عمیق‌تر و بلندمدت در حوزه دیپلماسی انرژی است.

در این میان، کشورهای مانند پاکستان و چین جایگاه ویژه‌ای دارند. پاکستان در معادله انرژی ایران، نه صرفاً یک بازار بالقوه، بلکه یک مسیر ژئوپلیتیک است. نیاز فزاینده این کشور به واردات انرژی، در کنار کمبود زیرساخت‌های پالایشی و اتکای رو به رشد به گاز و فراورده‌های نفتی، موقعیت آن را برای ایران متمایز می‌کند. خط اوله صلح که سال‌ها میان تهران و اسلام‌آباد نیمه‌تمام مانده، اگرچه در گروی فشارهای آمریکا متوقف است، اما همچنان تنها گزینه کم‌هزینه و سریع برای تأمین پایدار انرژی پاکستان محسوب می‌شود. از سوی دیگر، بازار چین با نیاز بالای خود به نفت سنگین و فوق‌سنگین، مزیتی راهبردی برای ایران ایجاد کرده است. پالایشگاه‌های کوچک و متوسط چینی که کمتر تحت فشار مستقیم نظام بانکی جهانی هستند، معمولاً خریداران نفت ایران بوده و می‌توانند به نقطه اتکایی پایدار صادرات نفت کشور تبدیل شوند.

با این حال، مهم‌ترین اثر مکانیسم ماشه لزوماً در حوزه واقعی صادرات نفت شکل نمی‌گیرد، بلکه بیشتر در بعد روانی بازارها قابل مشاهده است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است، حتی اخبار مربوط به بازگشت تحریم‌ها می‌تواند نرخ ارز را دچار نوسان کند، بازار طلا را ملتهب سازد و انتظارات تورمی را بالا ببرد. نگرانی از آینده نیز در چنین شرایطی باعث خروج بخشی از سرمایه‌ها به سمت بازارهای امن‌تر می‌شود.

برای مقابله با این آثار، دولت ناگزیر است علاوه بر پیگیری فعال دیپلماسی انرژی و تقویت همکاری با شرکای خارجی، در مدیریت داخلی بازارها نیز قاطع عمل کند. سیاست‌های پولی بانک مرکزی، هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های مولد، تسهیل بازگشت ارز صادراتی و جلوگیری از سفته‌بازی در بازار ارز و طلا از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در خنثی‌سازی شوک روانی ناشی از مکانیسم ماشه داشته باشند.

به‌طور کلی می‌توان گفت فعال شدن مکانیسم ماشه بیش از آنکه آغاز دور تازه‌ای از فشار واقعی اقتصادی باشد، ابزاری برای افزایش فشار روانی و سیاسی است. اقتصاد ایران که هم‌اکنون عمدتاً تحت تأثیر تحریم‌های یکجانبه و یکجانبه آمریکا قرار دارد، تغییر بنیادینی از این ناحیه احساس نخواهد کرد. با این حال، مدیریت دقیق آثار کوتاه‌مدت روانی آن در بازار ارز و سرمایه، می‌تواند تعیین‌کننده این اقدام به یک شوک گذرا تبدیل شود یا به بحری پایدار.

✽ پژوهشگر اقتصادی

گزارش یک
سعیده زمانی

عرضه ارز در بازار غیررسمی افزایش می‌یابد

سیگنال بانک مرکزی برای مهار قیمت دلار



رمادهمشیری اچوان

با همکاری با وزارت صمت مزیت‌های از دست رفته کالاهای صادراتی را احیا کند.
■ **سابقه کاهش نرخ ارز با کاهش تنش‌های سیاسی**
فرزین در این جلسه با اشاره به تلاش دشمن برای هراس افکنی در اقتصاد تصریح کرد: با ترس و وحشت و اخبار منفی به دنبال اثرگذاری روی نرخ ارز هستند، بارها هم مشاهده شد که نرخ ارز با کاهش تنش‌های سیاسی کاهش یافت.

وی افزود: هراس‌افکنی اولویت نخست جنگ روانی دشمن در حوزه اقتصاد است به طوری که اخیراً به دروغ اعلام کردند سپرده‌های ایران در اتحادیه اروپا بلوکه شد. ما اصلاً آنجا سپرده نداریم که بخواهد توقیف شود. آنها با این اخبار به دنبال اثرگذاری منفی روی نرخ ارز هستند و بنابراین تلاش می‌کنند هر روز با انتشار اخبار منفی هراس را به اقتصاد کشور تزریق کنند و نرخ‌ها را تحت تأثیر قرار دهند.
فرزین با بیان اینکه هم اکنون صادرکنندگان و واردکنندگان بدون هیچ دخالتی از سوی بانک مرکزی در بازار دوم مرکز میادله اقدام به معامله ارز حاصل از صادرات می‌کنند، خاطر نشان کرد: نگرانی اصلی در این زمینه آن است که سرازیر شدن اعداد بزرگ به اقتصاد کنترل تورم را دشوار کند، بنابراین

رئیس کل بانک مرکزی ۱۰ مهر در جمع فعالان اقتصادی و اعضای اتاق بازرگانی اصفهان از مهیا شدن عرضه ارز تعداد بیشتری از اقلام صادراتی در بازار دوم مرکز میادله ارز و طلای ایران خبرداد و برنامه ویژه دولت برای توسعه صادرات را اعلام کرد؛ درح‌طی‌حی که بنا به اعلام بانک مرکزی قرار است

رئیس کل بانک مرکزی ۱۰ مهر در جمع فعالان اقتصادی و اعضای اتاق بازرگانی اصفهان از مهیا شدن عرضه ارز تعداد بیشتری از اقلام صادراتی در بازار دوم مرکز میادله ارز و طلای ایران خبرداد و برنامه ویژه دولت برای توسعه صادرات را اعلام کرد؛ درح‌طی‌حی که بنا به اعلام بانک مرکزی قرار است
آتیچه در روزهای اخیر بازار ارز و طلا تجربه کرده است، بیش از آنکه ریشه در کمبود واقعی منابع داشته باشد، محصول رشد بالای نقدینگی، انتظارات تورمی و ریسک‌های غیر اقتصادی است. بانک مرکزی با افزایش عرضه ارز و طلا، برگزاری حراج‌ها و حتی مداخله در بازار غیررسمی تلاش دارد هیجان‌های کوتاه‌مدت را مهار کند. با این حال برای ثبات پایدار، صرفاً تزریق ارز کافی نیست بلکه باید در کنار مدیریت انتظارات، انضباط مالی و مهارت در کنار مدیریت انتظارات، انضباط مالی و مهارت کسری بودجه جاری گرفته شود و همزمان با حمایت اصلی در این زمینه آن است که سرازیر شدن اعداد بزرگ به اقتصاد کنترل تورم را دشوار کند، بنابراین

بازخوانی نیم‌قرن دغدغه مسکن



پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران

پیرامون تهران